

«عدالت و جمهوریت» تعریف کرده است. انقلاب اسلامی ایران در همان آغاز استقرار خود، استقلال سیاسی را تحقق بخشید، اکنون وقت آن رسیده است که انقلابی ترین دولت برآمده از این انقلاب، خواست و مطالبه عدالت اقتصادی اجتماعی را به صورت نهادینه و در هیئت متحول ساختن ساخت اقتصاد شبه مدرن سرمایه دارانه حاکم بر ایران به سمت یک اقتصاد انقلابی و مردمی عدالت محور فعلیت بخشد. این خواست و وظیفه و ضرورت بزرگ، خود را در قالب گفتمان «عدالت و جمهوریت» دولت سیزدهم تبلور بخشیده است.

آنچه اقتصاد شبه مدرن ایران می نامیم، نوعی مناسبات سرمایه دارانه استعمار ساخته است که به سبب عدم توازن ساختاری و مکانیسم توزیع ثروت غیر عادلانه ای که دارد، موجب گسترش فقر و تبعیض شده و فساد ایجاد کرده است. این اقتصاد شبه مدرن سرمایه دارانه را استعمار و کارگزاران داخلی اش بر ایران تحمیل کردند و سنگ بنای آن در دوران رضاشاه نهاده شد و در دوران پهلوی دوم بسط و سلطه تمام عیار یافت. نظام اسلامی و به طور مشخص دولت سیزدهم که انقلابی ترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی و اصیل ترین نماینده و تجسم آرمان گرایی انقلابی است، به منظور مقابله با بی عدالتی ای که نسخه نولیبرالی سیاست های برآمده از آن ایجاد کرده است، عدالت را به مثابه یکی از وجوه اصلی شعار و برنامه عملیاتی خود مطرح کرده و به دنبال پیشبرد و تحقق عدالت اقتصادی اجتماعی در ایران است.

ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری به تحقق نوعی برنامه عدالت محورانه نیاز دارد. شکاف طبقاتی پدید آمده در کشور و برخی ناهنجاری هایی که در فرایند توزیع ثروت در چند دهه گذشته (و بر اثر سیاست ها و مدیریت های نولیبرال و تکنوکرات و غیرانقلابی) به وجود آمده است، وضعیت پرمخاطره ای را ایجاد کرده و تحقق عدالت اقتصادی اجتماعی را به یک امر ضروری تبدیل کرده است. بحث در خصوص صورت بندی تئوریک مفهوم عدالت اقتصادی اجتماعی لازم و کارآمد و مطلوب برای ایران امروز و مشخصات آن از حوصله این مجال خارج است و به فرصتی دیگر نیاز دارد. فقط در حد یک اشاره می توان گفت که هسته اصلی برنامه عدالت اقتصادی اجتماعی لازم و ضروری برای ایران امروز (که خود را در شعار «عدالت و جمهوریت» دولت سیزدهم نیز متبلور کرده است) بازتوزیع عادلانه ثروت است. در اوضاع امروز ایران بازتوزیع عادلانه ثروت پیش شرط تحقق هر نوع جهش اقتصادی و تولیدی است و بدون تحقق آن، پیشرفت اقتصادی مدنظر نیز رخ نخواهد نمود؛ زیرا فرایند جهش تولید و جهش اقتصادی در شرایط کنونی کشور از یک وجه در چارچوب یک انقلاب بزرگ صنعتی و تولیدی معنا پیدا می کند و این امر به سطح بالایی از ارتقای کیفی توان نیروی کار و فرایند تولید نیازمند است که خود از مجرای بازتوزیع عادلانه ثروت ها و منابع است که می تواند فعلیت پیدا کند.

دولت سیزدهم با قرار دادن عدالت در متن شعار محوری «عدالت و جمهوریت»، به دنبال آن است که عدالت اقتصادی اجتماعی را، که یکی از سه مطالبه بنیادین جامعه ایران در تاریخ معاصر خود بوده است، اکنون و حدود چهار دهه پس از پیروزی انقلاب در هیئت یک صورت بندی و مناسبات اقتصادی اجتماعی عینیت بخشد، مناسباتی که باید جایگزین اقتصاد شبه مدرن سرمایه دارانه ناکارآمد استعمار ساخته به جامانده از رژیم پهلوی شود. این اقتصاد بدیل منطبق با آرمان گرایی انقلاب اسلامی را می توان «اقتصاد مردمی عدالت محور» یا صورتی از «اقتصاد مقاومتی» نامید که در ذات و جوهر و در زیرساخت های تئوریک خود ملهم از آموزه های قدسی تشیع و اصل مبنایی عدل در اندیشه شیعی و نیز عدالت خواهی موجود در آرمان گرایی انقلاب اسلامی و مبتنی بر آن است. در واقع مفهوم عدالت خواهی اقتصادی اجتماعی فقط آن هنگام که در هیئت یک ساخت و مدل و مناسبات اقتصادی اجتماعی عینیت و تبلور و فعلیت یابد،